

گذار از علوم امنیتی سکولار به نظریه امنیت شریعتمدار^۱

اصغر افتخاری^۲

ابوالفضل صدقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۹/۱۵

فصلنامه آفاق امنیت / سال نهم / شماره سی و دوم - پاییز ۱۳۹۵

چکیده

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب تمدن‌ساز است و مسیر جدیدی را به طور عام به روی بشریت و به طور خاص پیش روی جهان اسلام گشوده است نیازمند تولید دانش متناسب با ایده و هویت خویش است. علوم امنیتی نیز به عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی و یکی از اجزای مهم این تمدن بزرگ اسلامی، بخشی از نقش راهبردی علوم انسانی را به عهده دارد. سؤال اصلی تحقیق این است که «الگوی تحول علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار چیست؟».

هدف این مقاله ارائه الگوی تحول در علوم امنیتی از سکولار به توحیدی است تا بتوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه امنیت شریعتمدار را استخراج و اکتشاف کرد. دستیابی به این هدف نیازمند شناخت علوم انسانی و علوم امنیتی سکولار است؛ بنابراین در این تحقیق ابتدا پیشینه علوم امنیتی بررسی و سپس با استفاده از روش فلسفه‌های مضاف برآمده از مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی فلسفه اسلامی حکمت متعالیه و حکمای متأله، چارچوب نظری الگوی تحول استخراج شد. در ادامه با استفاده از روش داده‌بنیاد (نظریه مبنایی)، با ۱۵ نفر از خبرگان تحول در علوم انسانی و علوم امنیتی تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه نیمه‌باز انجام گرفت و بعد از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، الگوی تحول در علوم امنیتی تولید شد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد علوم امنیتی نیازمند تحول در چهار محور کلیدی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است. با این تحول نظریه امنیت شریعتمدار با رویکرد اسلامی تولید شد. این نظریه در پاسخ به سطوح امنیت، انواع امنیت، فاعل امنیت، غایت امنیت، منابع امنیت و روش امنیت مؤلفه‌ها و شاخص‌های جدیدی را معرفی می‌کند که به نیازهای امنیتی انسان شریعتمدار پاسخ می‌گوید.

واژگان کلیدی

تحول، علوم امنیتی، غایت امنیت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان الگوی تحول در علوم انسانی با تاکید بر حوزه امنیتی می باشد که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه عالی دفاع ملی، دفاع گردیده است.

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) eftekhariasg@gmail.com

۳. دکتری تهدیدهای امنیت ملی و نویسنده مسئول، sedghi1968@gmail.com



مقدمه

این واقعیت که تحول در علوم انسانی به مثابه ضرورتی راهبردی در جامعه ایران مطرح است، ما را به آنجا رهنمون می‌سازد که نسبت به تولید نظریه‌های بومی در حوزه‌های مختلف علمی اقدام کنیم. از جمله این حوزه‌های علمی می‌توان به علوم امنیتی اشاره کرد که طی سه دهه اخیر رشد درخور توجهی در کشور ما داشته است.

طرح مسئله: مطالعات امنیتی متعارف، مبانی معرفتی خود را به خصوص بعد از رنسانس و انقلاب فرانسه، از ایدئولوژی جهان مدرن اقتباس کرده‌اند؛ از این رو به طور طبیعی جهت‌گیری و پیش‌فرض‌های نظام معرفتی لیبرال دموکراسی بر شکل‌گیری علوم امنیتی مدرن مؤثر بوده است؛ یعنی علوم امنیتی مدرن حامل مبانی و ارزش‌های غربی است که در تعارض با گفتمان توحیدی هستند. معنای این سخن آن است که ضروری است نظام‌های توحیدی به موضوع تحلیل بومی امنیت توجهی دوچندان داشته باشند تا بتوانند بر این تعارضات در عمل و نظر فائق آیند.

اهمیت انجام چنین تحقیقاتی بدان علت است که نظام معرفتی و الگوی تحلیل مسائل را اصلاح می‌کند و ارتقا می‌بخشد، دارای اهمیت نظری است و از آن حیث که به تولید راهبردهای متناسب با جامعه اسلامی منتهی می‌شود، دارای اهمیت کاربردی است. بر این اساس اهتمام برای تولید نظریات بومی در این حوزه با هدف جلوگیری از غلبه گفتمان سکولار و آسیب دیدن سیاست‌های امنیتی کشور، ضرورتی آشکار ارزیابی می‌شود.

سؤال‌ها: پرسش اصلی آن است که برای تأسیس یک نظریه اسلامی از امنیت از چه الگویی باید پیروی کرد؟ در این ارتباط سؤال‌های فرعی زیر طرح و بررسی شده‌اند:

- ابعاد الگوی تحول در علوم امنیتی مطابق گفتمان اسلامی کدام‌اند؟
- مؤلفه‌های الگوی تحول در علوم امنیتی مطابق گفتمان اسلامی کدام‌اند؟
- شاخص‌های الگوی تحول در علوم امنیتی مطابق گفتمان اسلامی کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

منابع موجود در حوزه امنیت‌پژوهی کشور را می‌توان با توجه به رویکرد مقاله حاضر به دو دسته اصلی تقسیم کرد:



۱. متون عرفی

این آثار در چارچوب دیدگاه‌های متعارف در حوزه مطالعات امنیتی نگاشته شده‌اند و دارای دو رویکرد توصیفی و انتقادی هستند. در مطالعات توصیفی، هدف معرفی و تشریح مکاتب و نظریه‌های موجود است. در این آثار عموماً مکاتب رایج در حوزه امنیت و امنیت پژوهی در آن طرح و بررسی شده‌اند. برای مثال می‌توان به بررسی مکاتبی مانند واقع‌گرایی، جهان سوم، تفسیری‌ها، کپنهاگ، سازه‌نگاری و غیره اشاره کرد. در این متون مدل‌های امنیتی، الگوهای امنیتی و پارادایم‌های علوم امنیتی عرفی توصیف می‌شوند (نک: عبدالله خانی، ۱۳۸۹؛ مرادیان، ۱۳۸۸؛ بوزان، ۱۳۷۸؛ افتخاری، ۱۳۸۳؛ چونگ، ۱۳۷۹). در متون انتقادی، ضمن معرفی دیدگاه نسبت به نقد مبانی و کاربست‌های آن نیز مطابق چارچوب ایرانی-اسلامی اقدام شده است (نک: پاپا، ۱۳۸۳؛ افتخاری، ۱۳۹۱؛ لکزایی، ۱۳۹۲).

۲. متون بومی

گروهی دیگر از منابع بر اساس مبانی علوم امنیتی بومی نوشته شده‌اند. مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی این متون برگرفته از مبانی دینی و بومی است. این جریان تلاش دارد علاوه بر مبانی علوم امنیتی و ورود اخلاق به آن، روش‌های آن را هم اسلامی و بومی سازد. در این رویکرد، گفتمان‌های اصلی در حوزه امنیتی (از منظر اسلامی) شناسایی و تحلیل و معرفی شده‌اند. در نهایت متناسب با مرزهای گفتمانی بیان‌شده، ارکان نظریه اسلامی امنیت (مستند به قرآن کریم) استنباط و ارائه شده‌اند (نک: افتخاری، ۱۳۹۱؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۶؛ افتخاری، ۱۳۹۲). در بخش دیگری از منابع با رویکرد بومی به کمک فلسفه اسلامی به پرسش‌های امنیتی پاسخ داده شده است. این پاسخ‌ها بر اساس مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی تهیه و دلالت‌های امنیتی آن استخراج شده است (نک: لکزایی، ۱۳۸۹؛ لکزایی، ۱۳۹۰؛ لکزایی، ۱۳۹۲).

نقطه قوت تمام تحقیقات علوم امنیتی توحیدی تولید مبانی و روش‌های امنیتی برآمده از متن دین اسلام و قرآن است. ضعف اصلی منابع موجود پراکندگی و نقصان ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تحول در علوم امنیتی است. شاید منابع موجود ابعاد تحول را برای ما مشخص کرده باشند، ولی مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و الگوی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار را معرفی نکرده‌اند. در واقع تحقیقات پیشین به منظور طراحی الگوی تحول در علوم امنیتی نوشته نشده و اهداف دیگری چون تبیین



مبانی گفتمان اسلامی در حوزه امنیت یا طراحی نظریه‌های مستقل را دنبال کرده‌اند. در این تحقیق تلاش اصلی بر چگونگی تحول علوم انسانی با تأکید بر علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار است. در واقع به دنبال ارائه الگویی در این زمینه است که خطوط اصلی حاکم بر طراحی نظریات اسلامی در این زمینه را بیان کند. بر این اساس نوشتار حاضر:

اولاً، در مقام بیان ادبیات تحقیق به دسته‌بندی و ارائه مدلی مفهومی اهتمام ورزیده که در منابع پیشین مشابه آن مطرح نبوده است. ثانیاً، در نهایت الگویی در موضوع تحلیل امنیت ارائه کرده است که می‌تواند در پردازش نظریه‌های بومی به کار آید و از این حیث متمایز از آثار پیشین است. در جدول ۱ بررسی تطبیقی پیشینه با تأکید بر محورهای نوآورانه تحقیق حاضر آمده است:

جدول ۱ - ارزیابی پیشینه تحقیق در حوزه علوم امنیتی توحیدی

نقاط افتراق	نقاط اشتراک	نوآوری تحقیق
<ul style="list-style-type: none"> - اعتبار عقل در شناخت علوم امنیتی - مبانی و روش فلسفه اسلامی در تولید علوم امنیتی - روش‌شناسی تولید علوم امنیتی - تعریف مرجع و غایت امنیت - تعریف سطوح امنیت 	<ul style="list-style-type: none"> - علوم امنیتی اسلامی را انکار نمی‌کنند و طرفدار علم دینی و گفتمان اسلامی امنیت و تحول در علوم امنیتی رایج هستند. - پارادایم ارزش‌شناسی سکولار را مبنا نمی‌دانند و به آن نقد دارند. - توجه به اعتبار مبانی انسان‌شناسی اسلامی در تولید علوم امنیتی توحیدی - توجه به اعتبار مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در تولید علوم امنیتی توحیدی - همگی معتقدند علوم امنیتی اسلامی نیاز به روش‌شناسی اسلامی دارد. 	<ul style="list-style-type: none"> این تحقیق ضمن نقد علوم امنیتی رایج به کمک روش فلسفه مضاف و حکمت متعالیه به دنبال معرفی الگوی تحول در علوم امنیتی است. در این الگو: الف) در بعد انسان‌شناسی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیتی در تحول علوم امنیتی تعیین می‌شود. ب) به دنبال شناخت مبانی تحول در علوم امنیتی در سه حوزه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است. ج) مراحل تحول را مشخص می‌کند. د) آثار و غایت تحول در علوم امنیتی را بیان می‌کند. ه) عوامل تأثیرگذار در تحول علوم امنیتی را معرفی می‌کند. هدف اصلی این تحقیق تبیین گفتمان توحیدی امنیت نیست، بلکه به دنبال معرفی الگوی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار است. در واقع این تحقیق به این سؤال جواب خواهد داد که اگر بخواهیم علوم امنیتی رایج را اسلامی کنیم، چه باید کرد و چه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را باید تغییر داد؟

چارچوب مفهومی

۱. امنیت

در خصوص معنای اصطلاحی امنیت تعاریف متعددی بیان شده است (بوزان، ۱۳۷۸؛ نای، ۱۳۸۷؛ آشوری، ۱۳۹۴؛ ماندل، ۱۳۷۷) که می‌توان آنها را به دو رویکرد اصلی تقسیم کرد:



رویکرد امنیت سلبی: وضعیتی مبتنی بر نبود تهدید برای منافع بازیگران یا توان مدیریت مؤثر آن برای صیانت و حتی افزایش منافع؛ بنیاد مرکزیِ گفتمان سلبی را این اصل شکل می‌دهد که پدیده‌ها را می‌توان از طریق نفی نقیض‌شان شناخت. بر این اساس امنیت در گفتمان سلبی به نبود تهدید شناخته می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۲).
 رویکرد امنیت ایجابی: وضعیتی مبتنی بر وجود تعادل بین خواسته‌ها و داشته‌ها (در چارچوب ضریب ایدئولوژیک) تعریف می‌شود که به تولید رضایتمندی در یک واحد سیاسی منتهی می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۹۱).
 در تحقیق حاضر رویکردی جامع و دربردارنده ابعاد سلبی و ایجابی امنیت مد نظر است.

۲. گفتمان سکولار امنیت

علوم امنیتی سکولار در بهترین حالت قادر به درک روابط صوری بین پدیدارهای مادی است که قانون (علی)، مرجعیت واقعیت، عینیت‌باوری و عقل‌گرایی چهار رکن اصلی آن هستند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳۱). در واقع منابع معرفتی علوم امنیتی سکولار منابع تجربی، عقلی و حس بهره است و هدف آن جلوگیری از مشکلات و آسیب‌ها و تهدیدهایی است که انسان در این دنیا با آن دسته و پنجه نرم می‌کند.

۳. گفتمان شریعتمدار امنیت

امنیت در گفتمان شریعتمدار در چارچوب قدسی (و نه مادی‌انگاری) فهم، تحلیل و مدیریت می‌شود و مخالف مرجعیت بلامنازه عقل است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷۵). علوم امنیتی شریعتمدار برای تهدیدهایی که متوجه بقای ابدی انسانی می‌شود چاره‌جویی می‌کند و این گفتمان تهدیدهای دنیوی و اخروی را با هم می‌بیند. علاوه بر این، علوم امنیتی متعالیه علاوه بر منابع بشری و تجربی، عقلی و حسی از منابع وحیانی و شهودی هم استفاده می‌کند (لکزایی، ۱۳۸۹: ۸۲-۷۶). شایان ذکر است امنیت شریعتمدار در حوزه دین اسلام و مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناسی اسلامی تعریف شده است. در واقع منظور از شریعتمدار توجه به اصل ورود هنجارهای الهی به عرصه تحلیل و مدیریت است و لذا اعم از اسلام است. از این رو شریعتمدار در کل مساوی اسلام پایه نیست، اما در این مقاله این تساوی وجود دارد.

چارچوب نظری

منظور از چارچوب نظری^۱ اصول و مبادی کلانی است که بر فرایند یک تحول حاکم است. این چارچوب نحوه محاسبه، معنادهی به گزاره‌ها و همچنین داوری صحت و سقم آنها را مشخص می‌کند. با توجه به اینکه نوشتار حاضر در حوزه تحول علوم امنیتی (زیرمجموعه علوم انسانی) قرار دارد، از یکی از چارچوب‌های رایج در زمینه تبیین چگونگی تحول علوم انسانی (یعنی چارچوب معروف به فلسفه‌های مضاف) استفاده شده است.

۱. فلسفه مضاف

در موضوع تولید علم دینی از جمله رویکردهایی که مدعی تولید علم دینی است، رویکرد تولید فلسفه‌های مضاف است. این رویکرد با دغدغه عینیت بخشیدن به جریان فلسفه در عالم خارج، با نگاه انتقادی به فلسفه اسلامی موجود، بر این نکته تأکید دارد که فلسفه صدرايي نتوانسته است در تولید نظریه‌های علوم انسانی اسلامی حضوری مؤثر و جدی یابد. بنابراین در نگاهی آسیب‌شناسانه مدعی است که می‌توان با بیان و بررسی منطقی ضعف‌ها و آسیب‌های این دستگاه فلسفی، به حکمت نوین اسلامی دست یافت. در حقیقت طبق این ادعا، تولید علوم انسانی دینی باید با تکیه بر یک عقلانیت پایه دینی یعنی فلسفه جامع اسلامی که جنبه کاربردی دارد، اتفاق افتد. اما ارتباط منطقی میان فلسفه اسلامی و علوم انسانی اسلامی چگونه برقرار می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال، این نگاه تولید فلسفه‌های مضاف را براساس فلسفه عام اسلامی پیشنهاد می‌کند. فلسفه مضاف در این نگاه، مشترک لفظی است که شامل دو گونه فلسفه مضاف می‌شود. گونه اول فلسفه‌های مضاف به واقعیت و گونه دوم فلسفه‌های مضاف به علوم هستند. دسته اول را نگاه درون‌نگرانه و درجه یک می‌دانند، اما دسته دوم را نگاه درجه دوم و فرانگرنه تلقی می‌کنند که هر کدام نیز به دو نگاه تاریخی و منطقی تقسیم می‌شود. در حقیقت براساس این تقسیم، این رویکرد با نگاه درجه دو به علوم، امکان آسیب‌شناسی و گشودن افق جدید را در یک علم فراهم می‌کند. به همین دلیل، رویکرد مذکور با نگاه درجه دوم به فلسفه اسلامی موجود با رویکرد تاریخی و منطقی، یعنی نظریه دیده‌بانی، حکمت نوین اسلامی را برای تولید علوم انسانی اسلامی پیشنهاد می‌کند (قراملکی، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۳۴).

در واقع اگر بخواهیم تحولی در علوم انسانی ایجاد کنیم، به طور قطع ابتدا باید مبانی تحول را مطرح کنیم و این مبانی را فلسفه تعریف می‌کند. حال در پاسخ به این سؤال که «نظریه امنیت شریعتمدار چیست؟» باید مطابق فلسفه اسلامی (در اینجا



فلسفه متعالیه) به موضوع توجه کرد. موضوع علم امنیت، همانند علوم انسانی، انسان است. برای اینکه بدانیم امنیت در مکتب توحیدی چیست، باید بدانیم از چه انسانی سخن می‌گوییم؟ هستی‌شناسی و جهان‌بینی انسان توحیدی چیست؟ علوم امنیتی رایج برآمده از منابع و فلسفه‌های غرب و سکولار است؛ بنابراین پاسخگوی نیازهای انسان سکولار است. برای پاسخگویی به نیازهای امنیتی انسان توحیدی باید انسان و جهان‌بینی او از طریق فلسفه اسلامی تعریف و تبیین شود. در پایان این قسمت، نظر مقام معظم رهبری درباره ضعف فلسفه موجود در جمهوری اسلامی ایران را یادآور می‌شویم تا هر چه بیشتر به اهمیت رویکرد فلسفه‌های مضاف در تولید علم دینی آگاه شویم: «نقص فلسفه ما این نیست که ذهنی است ... نقص فلسفه ما آن است که این ذهنیت، امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیف معین می‌کنند؛ یعنی سیستم اجتماعی ارائه می‌دهند، سیستم سیاسی را هم معین می‌سازند ... اما فلسفه ما به کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی مانده و امتداد نیافته است. باید این امتداد را تأمین کرد. این امر شدنی است ... مثلاً از مبانی فلسفی ملاصدرا ... می‌شود یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد، چه رسد به فلسفه‌های مضاف» (بیانات رهبری، ۲۹ / ۱۰ / ۸۲).

۲. مدل مفهومی - تحلیلی

در راستای پاسخ به هدف تحقیق که اکتشاف الگوی تحول در علوم امنیتی و ارائه نظریه امنیت شریعتمدار است، با بررسی ادبیات موجود، دیدگاه‌های حکمای متأله و روش حکمت متعالیه، دلالت‌های امنیتی استخراج شد. برای پاسخ به سؤال‌های علل اربعه و ارائه الگوی تحول چهار نشان‌گاه را شناسایی کردیم که تحلیل و تفسیر هر کدام از این نشان‌گاه‌ها بر اساس مبانی علوم انسانی اسلامی برآمده از حکمت متعالیه می‌تواند الگوی نهایی تحول و ابعاد مختلف آن را پیشنهاد کند. این چهار نشان‌گاه به شکل زیر هستند:



شکل ۱- محورهای کلیدی تحول در علوم انسانی

در موضوع تولید علم دینی از جمله رویکردهایی که مدعی تولید علم دینی است، رویکرد تولید فلسفه‌های مضاف است. این رویکرد با دغدغه عینیت بخشیدن به جریان فلسفه در عالم خارج، با نگاه انتقادی به فلسفه اسلامی موجود، بر این نکته تأکید دارد که فلسفه صدرایی نتوانسته است در تولید نظریه‌های علوم انسانی اسلامی حضوری مؤثر و جدی یابد. بنابراین در نگاهی آسیب‌شناسانه مدعی است که می‌توان با بیان و بررسی منطقی ضعف‌ها و آسیب‌های این دستگاه فلسفی، به حکمت نوین اسلامی دست یافت. در این تحقیق ضمن بهره‌گیری از روش حکمت متعالیه در قالب علل اربعه به بررسی دلالت‌های امنیتی در گفتمان حکمای متأله (ملاصدرا، امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، علامه طباطبایی، جوادی آملی، شهید بهشتی و شهید مطهری) پرداختیم. با نگاه فلسفی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی حکمت متعالیه مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیتی استخراج کردیم که پایه مدل مفهومی ادبیات تحقیق شد. در ادبیات تحقیق علاوه بر موارد یادشده از ادبیات علوم امنیتی توحیدی که در دو دهه گذشته در ایران تولید شده است، بهره گرفتیم. برای طراحی مدل مفهومی، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها ذیل چهار محور کلیدی دسته‌بندی شدند.

الف) انسان‌شناسی امنیتی حکمت متعالیه

در حوزه انسان‌شناسی با تعریفی که از انسان در فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه و حکمای متأله ارائه شده است و نیز با بررسی انسان‌شناسی سکولار از ادبیات موجود، جدول دلالت‌های امنیتی زیر استخراج شد (نک: خسروپناه، ۱۳۹۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۸؛ لکزایی، ۱۳۸۹؛ ملاصدرا، ۱۳۸۲؛ مطهری، ۱۳۸۸؛ افتخاری، ۱۳۹۰) که دو حوزه انسان سکولار و انسان شریعتمدار را دربرمی‌گیرد. شایان ذکر است مؤلفه‌ها و شاخص‌ها توسط محققان تا حد امکان تجمیع و خلاصه شده است:



جدول ۲- کارکردهای امنیتی انسان در دو دیدگاه سکولار و شریعتمدار

نوع انسان	ویژگی	شاخص‌ها	کارکرد امنیتی	ارزش امنیتی
انسان سکولار	انسان رها	<ol style="list-style-type: none"> ۱. سلطه‌گر ۲. عقل منفعل ۳. قلب سخت ۴. نفس اماره ۵. انسان متدانیه ۶. دنیاگرا و طرفدار ۷. ارزش‌های مادی ۸. خودخواه و فردگرا ۹. لذت‌گرا ۱۰. مکار و دسیسه باز 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. بقای دنیوی و مادی ۲. منفعت‌طلبی شخصی ۳. مرجع امنیت: خود و دولت سکولار ۴. ولایت شیطان ۵. سلطه‌طلبی (جنگ) ۶. بی‌عدالتی (شکاف اجتماعی) ۷. نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ۸. ایجاد فساد 	تهدید امنیتی
انسان شریعتمدار	انسان مقید	<ol style="list-style-type: none"> ۱. فطرت ملکوتی ۲. عقل ملازم ۳. قلب نرم ۴. نفس لوامه ۵. انسان عاقل و متعالیه ۶. خیرخواه ۷. عدالت‌خواه ۸. ظلم‌ستیز ۹. ولایت‌مدار ۱۰. متعهد 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. صلح‌طلبی ۲. مصلح و مقابله‌کننده با فساد ۳. مرجع امنیت: ولایت الله ۴. تأمین‌کننده امنیت دنیوی و اخروی خود و جامعه (امنیت جسم و جان) ۵. حافظ جان مردم ۶. حافظ ناموس مردم ۷. حافظ آبروی مردم ۸. حافظ مال مردم 	فرصت امنیتی

(ب) هستی‌شناسی امنیتی حکمت متعالیه

علوم امنیتی سکولار درباره هستی جهان و جان یا عالم و آدم به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا هستی برابر ماده و مادیات است و ساحت مجرد در هستی معنا وجود ندارد. انسانی در علوم امنیتی سکولار بحث می‌شود که مادی محض است که باید رفتارهای فردی و اجتماعی‌اش مورد مطالعه قرار گیرد و رفتارهای ملکی او هیچ ارتباطی با جهان ملکوت ندارد (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۰)؛ در حالی که در هستی‌شناسی شریعتمدار هستی به ماده منحصر نمی‌شود، جهان هستی به مادی و مجرد تقسیم می‌شود و ملک و ملکوت را برای هستی می‌پذیرد. هستی‌شناسی سکولار تقسیم هستی به ممکنات دنیوی و اخروی را نمی‌پذیرد؛ از این رو با این نگاه نخواهد توانست تهدیدهای اخروی را ببیند؛ بنابراین دچار تقلیل‌گرایی در حوزه تهدیدها می‌شود و بخش مهم تهدیدها را نادیده می‌گیرد. از آنجا که هستی (وجود) در مقابل نیستی (عدم) است و از مفاهیم بدیهی به شمار می‌رود، نادیده گرفتن بخشی از هستی در مطالعات امنیتی ضعفی

مهم به شمار می‌رود و این مطالعات که بر پایه هستی‌شناسی سکولار شکل گرفته است، نمی‌تواند علم کاملی باشد. در حوزه هستی‌شناسی با توجه به نظریه اصالت وجود و حرکت جوهری در حکمت صدرایی در پاسخ به سؤال‌های علت فاعلی و علت غایی مؤلفه‌ها و دلالت‌های امنیتی به شکل جدول زیر استخراج شده است. شایان ذکر است مؤلفه‌ها و شاخص‌های به دست آمده دلالت‌های امنیتی است که از گفتمان حکمای متأله استخراج شده است (نک: لک‌زایی، ۱۳۸۹؛ امام خمینی(ره)، ۱۳۶۱؛ لک‌زایی، ۱۳۹۰؛ صلیبا، ۱۳۶۳؛ مطهری، ۱۳۶۱).

جدول ۳- دلالت‌های هستی‌شناسی مکتب امنیتی سکولار و شریعتمدار

نظریه‌های هستی‌شناسی	پرسش با ادبیات فلسفی	پرسش با ادبیات امنیتی	پاسخ با ادبیات امنیتی	ارزش امنیتی
هستی‌شناسی سکولار (اصالت ماده)	علت فاعلی امنیت چیست؟ علت غایی امنیت چیست؟	۱. کارگزاران شایسته تولید امنیت چه کسانی هستند؟ ۲. نهادهای شایسته تولید امنیت کدام‌اند؟ ۳. مرجع امنیت چیست؟ ۴. هدف از تولید امنیت چیست؟	۱. مکتب امنیتی سکولار در برابر پرسش فاعل امنیت سکوت می‌کند. ۲. شایستگی و تولید امنیت را به صاحبان زر و زور و تزویر می‌سپارد. (قدرت، تولید امنیت می‌کند). ۳. مرجع امنیت انسان یا دولت است. ۴. هدف از تولید امنیت رفاه و توسعه است.	امنیت صاحبان زر و زور و تزویر (امنیت ناپایدار)
هستی‌شناسی شریعتمدار (نظریه اصالت وجود و نظریه حرکت جوهری)	علت فاعلی امنیت چیست؟ علت غایی امنیت چیست؟	۱. کارگزاران شایسته تولید امنیت چه کسانی هستند؟ ۲. نهادهای شایسته تولید امنیت کدام‌اند؟ ۳. مرجع امنیت چیست؟ (غایت بالذات) ۴. هدف از تولید امنیت چیست؟ (غایت بالعرض)	۱. عوامل ماورایی از قبیل خدا و فرشتگان ۲. عوامل انسانی، یعنی رهبران الهی (نبی، امام و فقیه) ۳. دولت اسلامی و نهادهای زیرمجموعه آن ۴. مرجع امنیت قرب الهی است. ۵. اسلام و دولت اسلامی هدف امنیت و غایت بالعرض است.	فرصت امنیتی جامعه و جهان



ج) معرفت‌شناسی امنیتی حکمت متعالیه

در حوزه تحول در الگوی معرفت‌شناسی و با توجه به سؤال‌های علل اربعه، دو دسته مؤلفه استخراج شده است (نک: مصباح یزدی، ۱۳۶۶؛ لک‌زایی، ۱۳۸۹؛ افتخاری، ۱۳۹۱). دسته اول مؤلفه‌های منابع امنیتی در الگوی علوم امنیتی شریعتمدار و دسته دوم مؤلفه‌ها، مبانی علوم امنیتی شریعتمدار است (نک: ملاصدرا، ۱۹۸۱؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴؛ جعفری، ۱۳۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲؛ سید حیدر آملی، ۱۳۵۳؛ افتخاری، ۱۳۹۱؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۶؛ افتخاری، ۱۳۹۲). مبانی مکتب امنیتی سکولار برگرفته از مبانی سکولاریزم (حقوق بشر، آزادی، مالکیت فردی و ...) است؛ در حالی که مبانی مکتب امنیتی شریعتمدار از اسلام گرفته شده است. مبانی اسلام در سه حوزه باورها، اخلاق و احکام تعریف می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶). دلالت‌های امنیتی منابع و مبانی معرفتی در سه حوزه یادشده از ادبیات موجود، گفتمان حکمت متعالیه و حکمای متأله استخراج شده و در جدول ۴ به نمایش در آمده است:

جدول ۴- منابع تولید امنیت در مکتب امنیتی شریعتمدار

نوع معرفت	معرفت عقلی	معرفت وحیانی	معرفت تجربی	معرفت شهودی
کارکرد	تعیین ضرورت‌ها از جمله ضرورت نیاز به معارف وحیانی و ضرورت امنیت	تعیین حدود رفتار و کیفیت رابطه انسان با خدا، خودش، دیگران و طبیعت و تعیین جهت‌گیری‌های زندگی فرد، جامعه و دولت و تعیین حدود امنیت	تعیین شکل، سازوکار و شیوه انجام رفتارهای غیرعبادی از جمله در حوزه مسائل امنیتی در محدوده تعیین شده توسط شارع مقدس	حوزه هنر و زیبایی و احساسات و علائق فردی و استفاده از این منبع در تأمین و ارتقای امنیت

الف) حوزه باورها

ارکان	شاخص‌ها	کارکرد امنیتی
توحید	۱. توحید و انسجام ۲. توحید و اطمینان	۱. انسجام خاطر و آرامش دل (امنیت فردی) ۲. همگرایی ایجابی و جلوگیری از تعارض درون‌گفتمانی (امنیت جامعه)
ولایت	۱. ولایت و سلامت ۲. ولایت و ثبات	۱. کنترل تهدید صاحبان قدرت ۲. امنیت ایجابی از طریق تربیت ۳. امنیت ایجابی از طریق اصلاح رابطه دولت-ملت



ب) حوزه اخلاق

ارزش امنیتی	ترکیب قوای ملکوتی و حیوانی	نتیجه امنیتی	قوای فطرت حیوانی	قوه فطرت ملکوتی
امنیت ناموس مردم	عقل + قوه شهویه = عفت	فرماندهی قوه شهویه: تهدید برای ناموس مردم	قوه شهویه	عقل
امنیت جان مردم	عقل + قوه غضبیه = شجاعت	فرماندهی قوه غضبیه: تهدید برای جان مردم	قوه غضبیه	
امنیت آبرو و مال مردم	عقل + قوه وهمیه = حکمت و تدبیر	فرماندهی قوه وهمیه: تهدید برای آبرو و مال مردم	قوه وهمیه	
امنیت همه جانبه و پایدار	عفت + شجاعت + حکمت مساوی با عدالت است.			

ب) حوزه احکام

کارکرد امنیتی	شاخص‌ها	حوزه حقوق
امنیت سلبی و مقابله با تهدیدها (مال، جان، ناموس و آبروی مردم در اجتماع امنیت خواهد داشت) این احکام کارکرد بازدارندگی دارد.	۱. ترور ۲. تهدید ۳. قصاص ۴. دزدی ۵. دفاع ۶. صلح	احکام حوزه اجتماعی
امنیت ایجابی و تضمین سلامت فردی و اجتماعی	احکام حلال و حرام فردی	احکام حوزه فردی

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده کردیم، در حوزه منابع معرفت‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار علاوه بر عقل و تجربه، معرفت وحیانی و شهودی هم وجود دارد که از توان معرفتی بالاتری از مکتب امنیتی سکولار برخوردار است. علاوه بر آن در مبانی معرفت‌شناسی علوم امنیتی سکولار، نسبت به معرفت عقلی نیز اشکالات زیر وجود دارد:

الف) تمام حیثیت عقل در عقل معاش خلاصه شده است.

ب) توان عقل معاش بسیار عالی و بی‌بدیل ارزیابی شده است.

ج) برای حوزه خارج از عقل ارزش شناختی قائل نیست (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳۷).

در حوزه کارکردی مکتب امنیت شریعتمدار با اتکا بر سه حوزه باورها، اخلاق و احکام به دغدغه‌های امنیتی در تمامی مراحل زندگی و حتی قبل از تکوین توجه دارد. کارکردهای امنیتی مکتب امنیت شریعتمدار حوزه‌های نرم و سخت را با هم می‌بیند و توجه اصلی خود را به تربیت انسان متمرکز کرده است و در جهت مقابله با انسان‌های



تربیت‌نیافته با رویکرد سلبی احکام اجتماعی را وضع کرده است تا جامعه به سوی کمال و آرامش حرکت کند.

د) روش‌شناسی علوم امنیتی متعالیه

چهارمین نشان‌گاه تحولی در علوم امنیتی حوزه روش است. با توجه به منابع معرفت‌شناسی در علوم امنیتی شریعتمدار، علاوه بر روش‌های عام، نیازمند روش‌های خاص مرتبط با معارف دینی بودیم که از روش‌شناسی حکمت متعالیه اخذ شده است. در جدول زیر دلالت‌های امنیتی روش‌شناسی از حکمت متعالیه و منابع موجود جمع‌آوری شده است (نک: افتخاری، ۱۳۸۳؛ لکزایی، ۱۳۹۲؛ مطهری، ۱۳۵۸).

جدول ۵- روش‌شناسی امنیت‌پژوهی در مکتب امنیتی سکولار و شریعتمدار

ردیف	سنت مطالعاتی	تعریف	روش تولیدنظریه/تولیدمعرفت/دانش
۱	اثبات‌گرایی	مطالعه امنیت با رویکرد عینی از حقیقت	اصول بنیادین: اصل عینیت، اصل وحدت، اصل تجربه، اصل تفکیک اصول حاکم تحلیل: تلقی سلبی از امنیت، طبیعت به مثابه «موضوع، طبیعت به مثابه کانونی خطر ساز
۲	تفسیری	مطالعه امنیت با رویکرد معناکاوی	در جست‌وجوی دلایل است؛ انسان باز یگر اصلی است؛ اصالت با باطن و فهم آن؛ استفاده از روش بازی زبانی و نفوذ به لایه‌های زیرین
۳	انتقادی	مطالعه امنیت با رویکرد انتقادی	طرح سؤال‌هایی بنیادین درباره معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی؛ نقدوضع موجود به نفع وضع مطلوب
۴	فلسفی	مطالعه امنیت با رویکرد فلسفی	فلسفی، عقلی، قیاسی، برهانی، لمی (از علت به معلول)، انی (از معلول به علت) با بهره‌گیری از دستگاه روش‌شناختی منطوق و نیز مبانی فلسفی از قبیل اصالت وجود، تشکیک، حرکت جوهری و نظریه ادراکات اعتباری بر مبنای حکمت‌متعالیه
۵	کلامی	مطالعه امنیت با رویکرد کلامی	عقلی، نقلی
۶	عرفانی	مطالعه امنیت با رویکرد عرفانی	شهودی (مشاهده، مکاشفه و محاضره)
۷	تفسیری	مطالعه امنیت با رویکرد قرآنی	ترتیبی، موضوعی جامع، قرآن به قرآن
۸	حدیثی	مطالعه امنیت با رویکرد حدیثی	رجال، درایه، تحلیل محتوا و ...
۹	فقهی	مطالعه امنیت با رویکرد فقهی و اجتهادی	اجتهادی = اصول فقه



همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، مکتب امنیتی سکولار با توجه به مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی خود و نیز با توجه به تأکید منابع معرفتی (عقل و تجربه) در گذر زمان از روش‌های منحصر به این گفتمان استفاده کرده است (ردیف‌های ۱ تا ۳)؛ ولی از آنجا که در منابع معرفت‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار علاوه بر عقل و تجربه، وحی و شهود هم وجود دارد، روش‌شناسی آن هم بیشتر به فهم متون دینی و نقل متمرکز است. در واقع سنت مطالعاتی مکتب امنیتی شریعتمدار از گستردگی بیشتری برخوردار است و دچار تقلیل‌گرایی نشده است (ردیف‌های ۴ تا ۹). در روش‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار از آنجا که برای منابع عقل و تجربه هم اعتبار قائل است، در روش‌شناسی علاوه بر روش‌های مخصوص خود از تجربه مکتب امنیتی سکولار نیز بهره می‌برد.

از مجموع مطالعات ادبیات موجود که در جدول‌های بالا آمد، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌الگوی تحولی از امنیت سکولار به مکتب امنیتی شریعتمدار اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه در چهار حوزه یادشده با عنوان مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تغییراتی انجام گیرد. این مدل مفهومی که از ادبیات تحقیق به دست آمده است، در ادامه با روش داده‌بنیاد و با تکنیک مصاحبه نیمه‌باز به اشباع نظری رسیده است که در نهایت الگوی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار را معرفی کرده و به سؤال‌های علل اربعه در ارتباط با علوم امنیتی پاسخ داده است تا نظریه امنیت شریعتمدار تولید شود. این الگو به تمام سؤال‌ها در علم امنیت پاسخی از مبانی اسلامی داده است و دارای ارزش توحیدی است و دارای محورهای شناخت، محورهای تحول، شاخص‌های اصلی و امنیتی و راهبردهاست و دستیابی به علوم امنیتی و پیامدهای آن را به نمایش گذاشته است. تمام مراحل (از ورودی تا خروجی) از درون مصاحبه‌ها و ادبیات تحقیق به دست آمده است.

روش‌شناسی

با توجه به هدف و رویکرد حاکم بر تحقیق، مؤلفان از ترکیب دو روش بهره برده‌اند. در بخش تحلیلی به منظور طراحی نشان‌گان‌های امنیت از روش حکمت متعالیه، و در بخش ارزیابی وضعیت هر نشانگاه از نظریه مبنایی استفاده شده است.



۱. روش حکمت متعالیه

عده‌ای فلسفه ملاصدرا را نه تنها مکتب فلسفی متعین، بلکه آن را فلسفه برتر و شایسته نام حکمت متعالیه دانسته‌اند. از نظر آنها، حکمت الهی به وسیله صدرالمتألهین دگرگونی یافت که می‌توان آن را یک جهش نامید (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۰۱). مروری بر اهم آرای ارائه‌شده و معرفی اجمالی آنها زمینه را برای شناخت بیشتر حکمت متعالیه فراهم می‌کند.

الف) التقاط‌انگاری: ملاصدرا به عنوان کسی که کتابخانه عظیمی داشته و آثار فراوانی را از متکلمان در مشرب‌های گوناگون، فیلسوفان مشاء و اشراق، عرفای نظری و عملی، مفسران و اهل حدیث مطالعه کرده است، مجموعه‌ای از تفکر پیشینیان است (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۰۲).

ب) سامان نوین: فلسفه صدرا چهارراهی است که فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، طریقه عرفا و طریقه متشرعه را به هم وصل می‌کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳۲).

ج) صدرا از یک طرف مانند فیلسوفان مشاء، خود را فرزند و تابع استدلال و برهان می‌خواند و از طرف دیگر بر شهود و مکاشفه تأکید می‌ورزد.

د) تفکر کلامی فلسفی: هضم کلام در فلسفه (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۳۳).

ه) حکمت متعالیه برخوردار از زبان برتر: بر این مبنا ملاصدرا گونه‌ای نظام معین فلسفی پی‌ریزی کرده که به لحاظ زمانی و منطقی متعالیه است (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۰۷).

و) حکمت متعالیه برخوردار از تنوع ابزار در مقام شکار: عده‌ای بر اساس تمایز دو مقام شکار (گردآوری) و نقد (داوری)، ویژگی اساسی حکمت متعالیه را در تنوع روش‌ها و ابزارهای آن در مقام گردآوری می‌دانند (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۰۷).

ز) حکمت متعالیه با اضلاع معرفتی نوین: حکمت متعالیه دارای هندسه نوین معرفتی است که به دلیل اطلاعی چون روش، مسائل زبان، تبیین و ... در حل مسائل بیشتر، تولید مسائل جدید و دقیق بودن تحلیل‌ها و تفسیرها دارای برتری است (علیزاده، ۱۳۷۶: ۹۸-۱۰۱).

ح) حکمت متعالیه، روی‌آورد میان‌رشته‌ای: ملاصدرا در مطالعات میان‌رشته‌ای فراجراحی عمل کرده و از منظری میان‌رشته‌ای به جست‌وجوی حقیقت برخاسته است. ملاصدرا در مواجهه با رهاوردهای علوم گوناگون نه موضع تسلیم دارد و نه موضع انکار، بلکه با رهیافتی نقادانه، روی‌آوردهای دانش‌های گوناگون را می‌کشد تا از رهگذر گفت‌وگوی اثربخش میان دانش‌ها به تشخیص و حل مسئله واحد نائل آید (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۰۸).



۲. نظریه مبنایی

از آنجا که در این تحقیق به دنبال کشف الگوی تحول در علوم امنیتی و ارائه نظریه امنیت شریعتمدار هستیم، روش این تحقیق کیفی و از نوع نظریه مبنایی^۱ است.

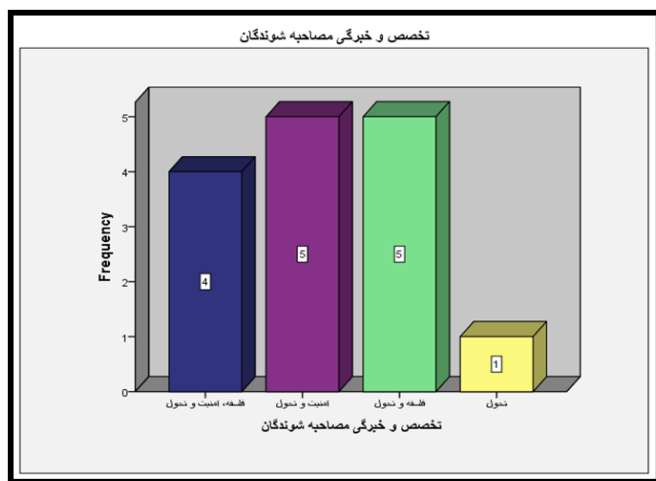
الف) جامعه آماری و حجم آن

با توجه به اهداف تحقیق، جامعه آماری مد نظر این تحقیق عبارت‌اند از: پانزده نفر از استادان دانشگاه و حوزه در سطح دانشیاری و استادی (حوزه علوم انسانی و مطالعات امنیتی و فلسفه اسلامی).

جدول ۶- مقایسه مصاحبه‌شوندگان بر اساس تخصص و خبرگی

ردیف	تخصص و خبرگی	تعداد (نفر)	فراوانی
خبیره در سه حوزه	فلسفه، امنیت و تحول در علوم انسانی	۴ نفر شامل: دکتر افتخاری، دکتر لک‌زایی، دکتر صدرا، دکتر عسریان‌نژاد	۲۶,۶
خبیره در دو حوزه	امنیت و تحول در علوم انسانی	۵ نفر شامل: دکتر سیامک ره‌پیک، دکتر سیامک باقری، دکتر علی اکبری، دکتر علی پور، دکتر قیصری	۳۳,۳
خبیره در دو حوزه	فلسفه و تحول در علوم انسانی	۵ نفر شامل: آیت‌الله جوادی آملی، دکتر خسروپناه، دکتر رضانی، دکتر شیروانی، دکتر جبارنژاد	۳۳,۳
خبیره در یک حوزه	تحول در علوم انسانی	۱ نفر شامل: دکتر رشید جعفرپور	۶,۶
مجموع		۱۵	۱۰۰





نمودار ۲- مقایسه مصاحبه‌شوندگان براساس تخصص و خبرگی

ب) روش نمونه‌گیری و حجم آن

در روش‌های گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه استاندارد، حجم نمونه برای مصاحبه ۲۰ تا ۳۰ نفر مشخص شده است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۴۱)؛ ولی چون روش این تحقیق داده‌بنیاد است، مصاحبه‌ها تا حد اشباع و نیاز ادامه یافت که ۱۵ نفر هستند.

ج) روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختمند استاندارد^۱ با نخبگان فکری و سیاسی است.

د) ابزارهای گردآوری داده‌ها

در روش داده‌بنیاد می‌توان از طریق مشاهده و مصاحبه به گردآوری اقدام کرد که در این تحقیق از روش مصاحبه (مصاحبه نیمه ساختمند) بهره گرفته شده است. مصاحبه نیمه ساختمند بر پایه تعدادی پرسش که از قبل تعیین شده، دست‌کم موضوعاتی که مصاحبه‌کننده باید در خصوص آنها بپرسد انجام می‌شود. تمامی این پرسش‌ها به نحوی برای هر یک از مصاحبه‌شوندگان به شکلی نظام‌مند مطرح می‌شوند، اما دست مصاحبه‌گر باز است تا فراتر از پرسش‌هایی که در اختیار دارد، درباره بعضی پاسخ‌ها خواهان توضیح بیشتر شود یا پرسش‌هایی را که جنبه تکمیلی دارند، مطرح کند.

ه) روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه در این تحقیق به این شکل انجام گرفت که پژوهشگر به دنبال شباهت‌ها یا تفاوت‌های موجود در داده‌ها گشت تا الگوی تحول در علوم امنیتی به داوری گذاشته شود. پژوهشگر کوشیده است از بررسی داده‌ها برخی الگوها را به دست آورد. جست‌وجو برای یافتن الگوها به طور نظام‌مند صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها با ارجاع به جملات و عبارات کلیدی در مصاحبه انجام گرفته است و عبارات و مضامین کلیدی کدگذاری شده‌اند. آرای کلی و حدس‌های اولیه در جریان کدگذاری تصفیه شدند، توسعه یافتند و دور ریخته شدند و در نهایت ساخته و پرداخته شدند.

و) چگونگی تهیه پرسشنامه و روایی و پایایی آن

از آنجا که این پژوهش کیفی است و از تکنیک مصاحبه بهره گرفته و از نوع مصاحبه نیمه‌باز است، در روش نیمه‌باز سؤال‌هایی طرح می‌شود که در آن بخشی از پاسخ‌های احتمالی پیش‌بینی و بخشی دیگر به عهده پژوهشگر گذاشته می‌شود. در واقع در این نوع سؤال‌ها پاسخ‌دهنده مختار است از میان گزینه‌های مطرح‌شده پاسخ‌هایی را انتخاب یا گزینه‌هایی را خارج از آنها به عنوان پاسخ بیان کند. پس از تدوین پرسشنامه، به منظور بررسی کیفیت و روایی آن باید با ارائه سؤال‌ها به بخشی از جامعه آماری، صاحب‌نظران حوزه پژوهش و استفاده‌کنندگان خروجی پژوهش پرسشنامه را اصلاح کنند تا هر گونه ابهام در سؤال‌ها حذف و بازدهی حداکثری از توضیح پرسشنامه حاصل شود. از آنجا که در روش کیفی و داده‌بنیاد از تکنیک مصاحبه بهره گرفته می‌شود، حجم نمونه محدود است؛ بنابراین در پژوهش کیفی فزونی حجم نمونه ضرورتاً روایی آن را بالا نمی‌برد و حتی می‌تواند از دقت و غنای نمونه بکاهد. روایی و پایایی در اشباع نظری حاصل می‌شود (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۵) که در این تحقیق از طریق اشباع نظری به روایی و پایایی رسیدیم.

تحلیل داده‌های نظری

با توجه به اینکه روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر مدل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است، برای تجزیه و تحلیل مصاحبه بر اساس این روش از فرایند گزاره‌های مفهومی، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استفاده شد. بدین منظور ابتدا کدگذاری باز انجام گرفت. محصول کدگذاری باز مفاهیم بودند که در ادامه در قالب مؤلفه‌ها گروه‌بندی شدند.

بعد از کدگذاری باز وارد کدگذاری محوری شدیم. در اینجا به دنبال ارتباط دادن خرده‌مؤلفه‌ها در یک جهت بودیم. این مؤلفه‌ها بارها در داده‌ها ظاهر شده بودند. این بدان معناست که در همه یا تقریباً همه موارد نشانه‌هایی وجود داشتند که به آن مفهوم اشاره می‌کردند. در نهایت وارد کدگذاری انتخابی شدیم. کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را می‌گیرد، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به سایر مقوله‌ها ربط می‌دهد. از مقوله‌های به دست آمده در کدگذاری باز و محوری به ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌های اصلی و شاخص‌های امنیتی دست یافتیم که در کدگذاری انتخابی ذیل پنج مقوله محوری انسان متعالیه، هستی‌شناسی توحیدی، معرفت وحیانی، تفسیرگرایی استعلایی و مبانی معرفتی در اسلام، مقوله‌ها به شکل نظام‌مند مرتبط می‌شوند. در کدگذاری انتخابی شرایط علی و تأثیرگذار بر مقوله‌های محوری معین و آن‌گاه راهبردها و پیامدها مشخص می‌شوند. مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در این مرحله تا حد اکثر امکان تعدیل و خالص شده و از هم‌پوشانی حداقلی برخوردار است. (در نهایت این فرایند موجب نمایان شدن یک بسته الگویی (منتج از کدگذاری انتخابی) می‌شود.) این بسته می‌تواند در ارائه الگوی راهبردی بسیار سودمند افتد. در این مرحله یک نظریه از روابط فی‌مابین مقوله‌های کدگذاری محوری به نگارش در می‌آید. فرایند یکپارچه‌سازی و بهبودبخشی نظریه در کدگذاری انتخابی از طریق فنونی نظیر نگارش خط داستان که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند، انجام می‌گیرد.

با مشاهده جدول‌های ظهور مؤلفه‌ها از گزاره‌های مفهومی مشخص شد در همان مصاحبه‌های ابتدایی محورهای کلیدی به اشباع نظری رسید و تا پایان ۱۵ مصاحبه محورهای کلیدی بارها مورد تأیید و تأکید قرار گرفت؛ اما تولید مؤلفه‌ها و شاخص‌های جدید ادامه یافت. بعضی از استادان که تخصص تحول در علوم انسانی داشتند بیشتر مؤلفه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی در جهت تحول در علوم انسانی تولید می‌کردند و استادان با تخصص امنیتی بر شاخص‌های امنیتی تأکید بیشتر داشتند. در حوزه منابع معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی در همان ده مصاحبه اول اشباع نظری صورت گرفت؛ ولی در ادامه مواردی جدید از مؤلفه‌های مبانی معرفت‌شناسی تولید می‌شد که به مصاحبه پانزدهم هم رسید. هر چه به مصاحبه‌های پایانی نزدیک می‌شدیم، مؤلفه‌ها کاهش می‌یافتند و تکراری می‌شدند؛ بنابراین تا مصاحبه پانزدهم اشباع نظری در تولید مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیتی حاصل شد که دلیلی برای ادامه مصاحبه‌ها وجود نداشت. آنچه از مؤلفه‌ها در

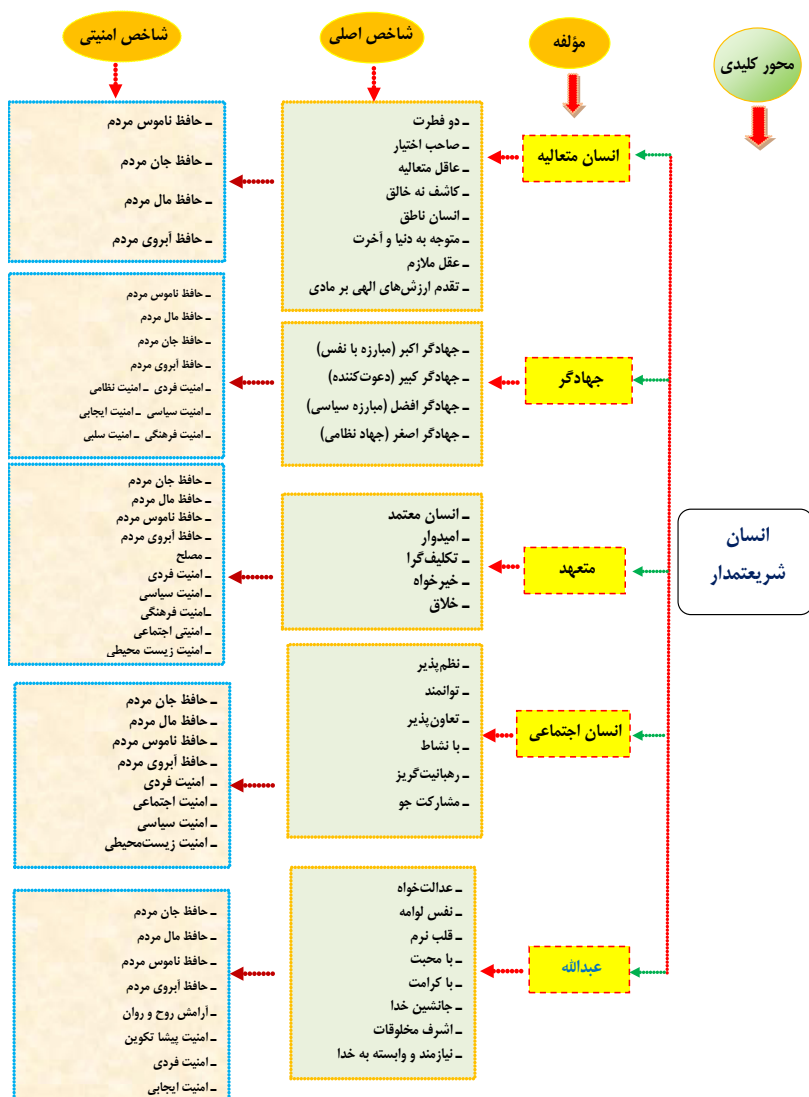


ادبیات تحقیق تولید شد با مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیتی تولیدشده در مصاحبه‌ها ترکیب گردید. (بعضی از مؤلفه‌ها در مصاحبه و ادبیات تحقیق مشترک بود.) برای تحلیل داده‌های به دست آمده از ادبیات تحقیق و مصاحبه‌ها بار دیگر به سؤال اصلی تحقیق بر می‌گردیم. الگوی تحول از علوم امنیتی سکولار به شریعتمدار چیست؟ برای پاسخ به سؤال اصلی سؤال‌های فرعی زیر مطرح شد:

۱. انسان در مکتب امنیتی شریعتمدار چگونه توصیف می‌شود؟ نیازهای امنیتی انسان متعالیه چیست؟
۲. نگاه مکتب امنیتی شریعتمدار به هستی چیست و آن را چگونه توصیف می‌کند؟
۳. مبانی معرفت‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار کدام است؟
۴. روش‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار چگونه است؟

۱. علوم امنیتی سکولار نیازمند چه تحولات موضوعی (انسان‌شناختی) است؟ از آنجا که انسان در دستگاه معرفت‌شناختی سکولار محور همه ارزش‌هاست؛ یعنی اصالت به اراده و خواست او داده می‌شود، در این مکتب همه چیز از انسان شروع و به انسان ختم می‌شود و هیچ حقیقتی برتر از انسان وجود ندارد که به آن اومانیزم سکولار نیز گفته می‌شود. به همین علت در تحول علوم انسانی، به خصوص علوم امنیتی، یکی از کلیدی‌ترین محورها موضوع انسان شناخته شده است. انسان در مکتب توحیدی امنیت دارای ساحت بدن و روح، فطرت ملکونی، دارای فقر وجودی و اختیار و آزادی است که هدف از آفرینش او قرب الهی است. به همین علت دلالت‌های امنیتی او نیز متفاوت است. با بررسی دلالت‌های امنیتی انسان‌شناسی توحیدی در اندیشه علمای متأله چون امام خمینی(ره)، صدر المتألهین، علامه طباطبایی و شهید مطهری و مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان مسلط به تحول در علوم انسانی و علوم امنیتی کارکردهای امنیتی انسان توحیدی در قالب الگوی پیوست نمایش داده شده است:



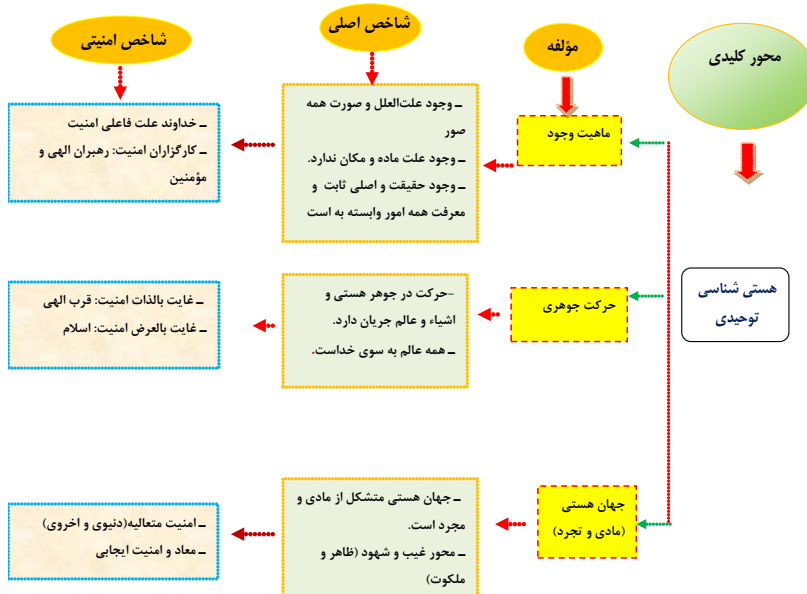


۲. علوم امنیتی نیازمند چه تحولات هستی‌شناسی است؟

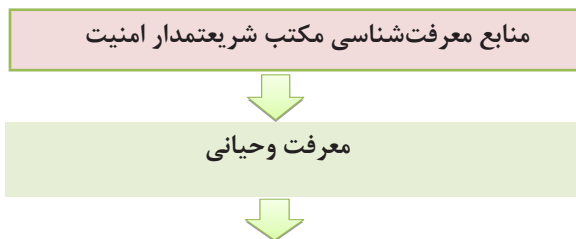
یکی از محورهای کلیدی که از ادبیات تحقیق و مصاحبه با صاحب‌نظران برای الگوی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار استخراج شد بحث هستی‌شناسی بود. هستی‌شناسی، دانش شناخت ساحت‌های مختلف هستی است. در مکتب امنیتی شریعتمدار هستی به ماده منحصر نمی‌شود. جهان هستی به مادی و مجرد تقسیم می‌شود و ملک و ملکوت را برای هستی می‌پذیرد؛ در حالی که هستی‌شناسی سکولار تقسیم هستی به ممکنات دنیوی و اخروی را نمی‌پذیرد. هستی‌شناسی، علم وجود است از آن جهت که وجود است. در این

حوزه، ذات اشیا از این جهت که جوهر هستند، صرف نظر از پدیدارها و محمول‌های آنها، مورد تحقیق قرار می‌گیرد. در هستی‌شناسی صدرایی دو مفهوم ماهیت وجود و حرکت جوهری وجود دارد که به ما در هستی‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار کمک کرد و علت فاعلی و غایی امنیت را مشخص ساخت. در ادبیات این تحقیق دلالت‌های هستی‌شناسی سکولار استخراج شد؛ سپس از درون همین ادبیات دلالت‌های امنیتی هستی‌شناسی توحیدی مشخص گردید و مؤلفه‌های به دست آمده در معرض قضاوت صاحب‌نظران امنیتی قرار گرفت و ضمن تأیید آن مؤلفه‌ها، شاخص‌های جدید هم استخراج شد تا الگوی تحول در علوم امنیتی در محور هستی‌شناسی هم تکمیل گردد. در واقع ویژگی مهم هستی‌شناسی توحیدی در علوم امنیتی جهت دادن به علت فاعلی و غایی امنیت است؛ در حالی که هستی‌شناسی علوم امنیتی سکولار به این دو علت بی‌اعتناست؛ بنابراین در عمل دچار کاستی و تقلیل‌گرایی در علم امنیت شده است. در علوم امنیتی توحیدی برآمده از فلسفه صدرایی با تعریف اصالت وجود پی به فاعلیت خداوند در امنیت می‌بریم که حق تعالی و انبیای الهی و جانشینان برحقش شایستگی تولید امنیت را دارند.

موضوع دیگر غایت امنیت است. با توجه به هدف غایی حکومت‌های سکولار که همان رفاه و امنیت دنیایی است، امنیت افراد یا دولت‌ها نهایت و غایت علم امنیت است؛ در حالی که بر اساس نظریه حرکت جوهری و حرکت تمام موجودات به سمت خدا، امنیت هم غایت قرب الهی می‌گیرد و اسلام و حکومت اسلامی غایت بالعرض آن محسوب می‌شوند.

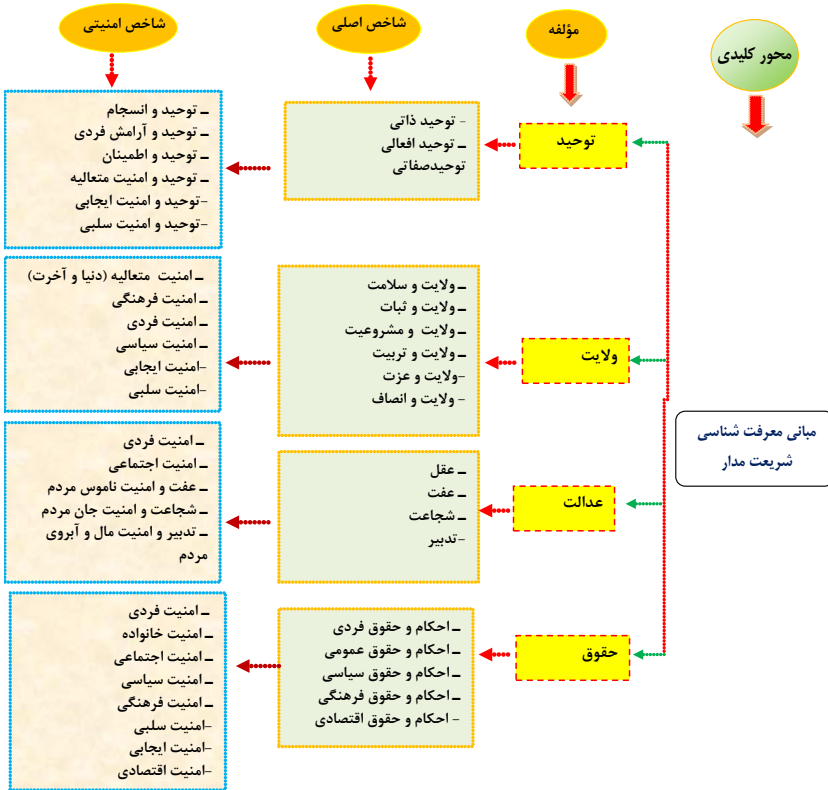


۳. علوم امنیتی در جمهوری اسلامی ایران نیازمند چه تحولات معرفت‌شناسی است؟
 برای پاسخ به سؤال محور کلیدی، معرفت‌شناسی به دو محور فرعی منابع و مبانی دسته‌بندی شد. در محور منابع معرفت‌شناسی، مکتب توحیدی معرفت و حیانی با دو شاخه معرفت نقلی و معرفت عقلی تأمین‌کننده منابع معرفتی مکتب توحیدی امنیت است که به شکل زیر نمایش داده می‌شود:



- | | |
|--|--|
| <p>۱. معرفت عقلی (ارائه فعل خدا)
 ۱/۱. عقل تجربی (علوم تجربی و انسانی)
 ۱/۲. عقل نیمه تجربی (ریاضیات)
 ۱/۳. عقل تجریدی (فلسفه و کلام)
 ۱/۴. عقل ناب (شهود)
 - مشاهده قلبی است.
 - شهود علم حضوری است.
 - شهود یافتنی است نه فهمیدنی.
 - تفکیکی بین سوژه و ابژه نیست.
 - شهود در مرحله حق‌الیقین است.
 - حالت تجربه شخصی است.</p> | <p>۲. معرفت نقلی (ارائه قول خدا)
 ۲/۱. علم حصولی
 ۲/۲. معرفت معصومانه
 ۲/۳. ادراک معصوم از وحی</p> |
|--|--|

اما مهم‌ترین بخش الگوی تحول در علوم امنیتی مربوط به مبانی معرفت‌شناسی است. از آنجا که مبانی معرفت‌شناسی مکتب توحیدی امنیت برآمده از مکتب اسلام است، مبانی در سه حوزه باورها (اندیشه)، اخلاق و احکام- حقوق تقسیم‌بندی می‌شود. در واقع این سه حوزه تعریفی جامع از اسلام ارائه می‌دهند که از طریق آن نهایت آرامش و اطمینان به بشر هدیه داده می‌شود. حوزه مبانی معرفت‌شناسی، حوزه اختصاصی و برآمده از مبانی ارزشی مکتب توحیدی است که دلالت‌های امنیتی تخصصی ارائه می‌دهد. در واقع مبانی معرفت‌شناسی توحیدی تا حدود زیادی تفاوت مکتب امنیتی سکولار از شریعتمدار را مشخص می‌سازد.



۴. علوم امنیتی در جمهوری اسلامی ایران نیازمند چه تحولات روش‌شناسی است؟

صاحب‌نظران تحول در علوم انسانی کاستی مهم در الگوی تحول را مبانی روش‌شناسی آن می‌دانند و معتقدند اگر روش‌ها اصلاح و بر اساس مبانی علم دینی ساماندهی شود، تحول واقعی اتفاق می‌افتد. در الگوی تحول، علاوه بر روش‌های رایج سکولار (روش‌های اثباتی، انتقادی و تفسیری) روش‌های متناسب با علوم انسانی توحیدی معرفی می‌شود که در شکل زیر نمایش داده شده است:



نتیجه‌گیری

از مجموع پاسخ‌های ارائه‌شده به سؤال‌های فرعی این نتیجه به دست آمد که اگر بخواهیم در علوم امنیتی رایج تحول راهبردی ایجاد کنیم، نیازمند تحول در چهار محور کلیدی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی هستیم. این چهار حوزه ذیل فلسفه اسلامی و جهان‌بینی توحیدی گزاره‌های متفاوت از گزاره‌های سکولار تولید می‌کنند که در وهله اول جهت علوم امنیتی را توحیدی می‌کنند و در وهله دوم به نیازهای امنیتی انسان متعالیه پاسخ می‌گویند. این نیازها علاوه بر دنیا و آخرت و علاوه بر جسم به نیازهای روح الهی انسان پاسخ می‌دهد و در نهایت امنیت پایدار را تولید می‌کند. اگر تحول در مفاهیم انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی به وجود آید، پاسخ به سؤال‌های امنیتی در چارچوب علل اربعه نیز تغییر خواهد کرد که نظریه امنیت شریعتمدار تولید می‌شود.

برای دستیابی به نظریه امنیت شریعتمدار در این مقاله از الگوی روشی رایج در حوزه مطالعات بومی استفاده شد که بر محوریت شناخت علل اربعه یعنی علت مادی، صوری، فاعلی و غایی قرار دارد (مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۲۰).

با توجه به مدل علل اربعه، هرگاه از فلسفه امنیت پرس‌وجو کنیم، باید چهار پرسش زیر پاسخ دریافت کند:

اول، علت مادی امنیت چیست؟

دوم، علت صوری امنیت چیست؟

سوم، علت فاعلی امنیت چیست؟

چهارم، علت غایی امنیت چیست؟

برای اینکه پرسش‌های فلسفی مذکور به ادبیات رایج در متون امنیتی نزدیک شود، می‌توانیم این پرسش‌ها را به این شکل بازتولید کنیم (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۸):

الف) پرسش‌های ناظر بر علت مادی امنیت شامل مبانی امنیت چیست؟ منابع تولید امنیت چیست؟

ب) پرسش‌های ناظر بر علت صوری امنیت شامل سطوح امنیت چیست؟ انواع امنیت چیست؟

ج) پرسش‌های ناظر بر علت فاعلی امنیت شامل افراد و کارگزارانی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از امنیت به آنها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟ نهادها و سازمان‌هایی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از امنیت به آنها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟

د) پرسش ناظر بر علت غایی امنیت شامل هدف از تولید امنیت چیست؟



از مجموع داده‌های به دست آمده در این تحقیق (چه در ادبیات تحقیق و چه در مصاحبه‌ها) پاسخ نظریه امنیت شریعتمدار به پرسش‌های امنیتی فوق به شرح زیر است:

علت صوری امنیت چیست؟

پاسخ مکتب امنیتی سکولار	سؤال	پاسخ مکتب امنیتی شریعتمدار
نیازهای امنیتی دنیوی	سطوح امنیت چیست؟	نیازهای امنیتی دنیوی و اخروی
امنیت سخت و نرم (جسم و روان)	انواع امنیت کدام‌اند؟	امنیت سخت و نرم (امنیت جسم و روح)
امنیت فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، منطقه‌ای، جهانی	بخش‌های امنیت کدام‌اند؟	امنیت پیشاتکونین-امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیت جهان اسلام، امنیت جهانی

علت مادی امنیت چیست؟

پاسخ مکتب امنیتی سکولار	سؤال	پاسخ مکتب امنیتی شریعتمدار
مبنای لیبرالیسم و انسان سکولار	مبنای امنیت چیست؟	سه حوزه باورها، اخلاق و حقوق (مبنای اسلام)
عقل، تجربه و حس	منابع امنیت چیست؟	منابع وحیانی در دو شعبه عقل و نقل

علت فاعلی امنیت چیست؟

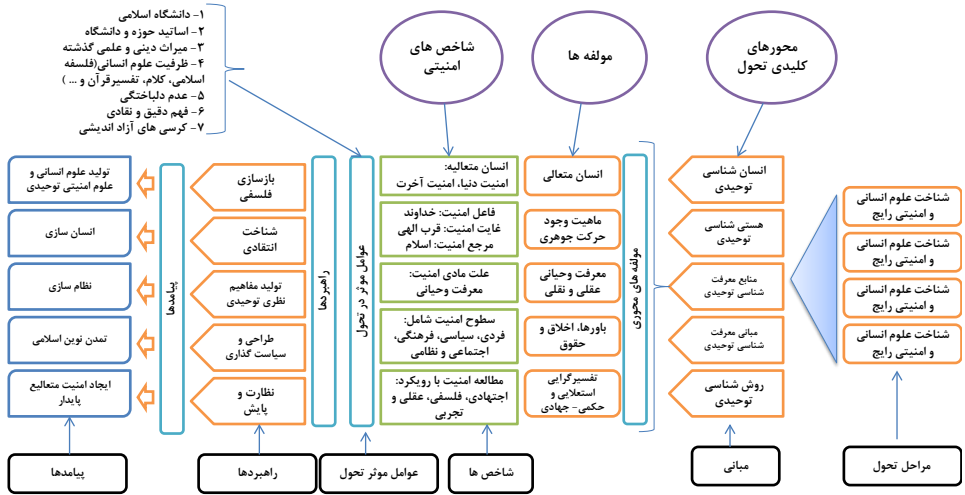
پاسخ مکتب امنیتی سکولار	سؤال	پاسخ مکتب امنیتی شریعتمدار
مکتب امنیتی سکولار در برابر پرسش فاعل امنیت سکوت می‌کند و شایستگی و تولید امنیت را به صاحبان زر و زور و تزویر می‌سپارد. (قدرت تولید امنیت می‌کند).	افراد و کارگزارانی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از امنیت به آنها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟	خداوند فاعل امنیت است و در همین جهت انبیای الهی و مؤمنین به جهت عدالت و مصونیت یا مصونیت حداکثری از خطا شایستگی تولید و حفاظت از امنیت را دارند.
نهادهای و سازمان‌های برآمده از قدرت صاحبان زر و زور و تزویر (سازمان‌های برآمده از قدرت در بستر دموکراسی) و نگاه آنها به امنیت متدائمه و متعارف است.	نهادهای و سازمان‌هایی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از امنیت به آنها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟	نهادهای و سازمان‌هایی که دارای مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی هستند و نگاه آنها به امنیت متعالیه است و در مسیر حیات طیبه (آبادی دنیا و آخرت) حرکت می‌کنند.

علت غایی امنیت چیست؟

پاسخ مکتب امنیتی سکولار	سؤال	پاسخ مکتب امنیتی شریعتمدار
رفاه و امنیت	غایت بالذات (هدف نهایی) امنیت چیست؟	قرب الهی
انسان یا دولت	غایت بالعرض امنیت (مرجع) امنیت چیست؟	اسلام (آبادکننده دنیا و آخرت)



از مجموع داده‌های به دست آمده در این تحقیق که در قالب سؤال‌های فرعی پاسخ آن داده شد الگویی به دست می‌آید که دارای چهار محور کلیدی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی است. این چهار محور از آنجا که همانند یک سیستم عمل می‌کنند و معنای خاصی را ارائه می‌دهند ویژگی یک الگو را دارند. الگوی راهبردی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار در این تحقیق مدل پیشرفته‌ای است که با استفاده از آن و چیدمان منطقی و هنرمندانه، عوامل اصلی و عرصه‌های راهبرد و روابط بین آنها به شکل ممکن ارائه شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این الگو به تمام سؤال‌ها در علم امنیت پاسخی از مبانی اسلامی داده است و دارای ارزش توحیدی است و دارای محورهای شناخت، محورهای تحول، شاخص‌های اصلی و امنیتی و راهبردهاست و دستیابی به علوم امنیتی و پیامدهای آن را به نمایش گذاشته است. تمام مراحل (از ورودی تا خروجی) از درون مصاحبه‌ها و ادبیات تحقیق به دست آمده است. الگوی ارائه‌شده در پنج حلقه در وهله نخست از انسجام درونی برخوردار است و در بخش‌های مختلف آنها پیوستگی دیده شود و به علت آنکه مؤلفه‌های آن از درون ادبیات موجود و مصاحبه با صاحب‌نظران اخذ شده است، دارای فراگیری قابل قبول ارزیابی می‌شود.



الگوی تحول در علوم انسانی (حوزه راهبردی) با تاکید بر علوم امنیتی

منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۹۴)، دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید.
- آملی، سید حیدر (۱۳۵۳)، نص النصوص، با تصحیح هانری کربن، تهران، بی‌جا.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲)، «فرهنگ امنیت جهانی» در: مک کین لای و آر لتیل، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت‌پژوهی، چ ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین(ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، امنیت (مفاهیم بنیادی علوم انسانی اسلامی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، امنیت اجتماعی‌شده رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «دو چهره قدرت نرم» در: افتخاری و همکاری، قدرت نرم سرمایه اجتماعی مطالعه موردی بسیج، چ ۱۰، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «فرهنگی شدن امنیت رویکردی نرم‌افزارنه» در: افتخاری و همکاران، قدرت نرم فرهنگ و امنیت، چ ۱۰، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، ارزش دانش، چ ۱۰، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۰)، روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، چاپ اول، قم: کتاب فردا.
- پایا، علی (۱۳۸۳)، «دموکراسی اسلامی: امکان یا امتناع؟»، آیین، سال اول، ش ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، شناخت‌شناسی در قرآن، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، شریعت در آینه معرفت، قم: نشر فرهنگی رجاء.
- چونگ، تودارد ای آزر (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صلیبا، جمیل (۱۳۸۱)، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نشر حکمت.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸)، نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: سلسله انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عساریان نژاد، حسین (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، چ ۱، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- علیزاده، بیوک (۱۳۷۶)، «تمایز ماهیت مکتب فلسفی ملا صدرا از دیگر مکاتب»، خردنامه صدرا، ش ۱۰.



- قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۸۸)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره مسلسل ۴۹، س ۱۳، ش ۳، پاییز.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره مسلسل ۵۰، س ۱۳، ش ۴.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۰)، «امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، *فصلنامه حکمت اسرا*، ش ۷.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۰)، «دلالت‌های امنیتی انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی»، *فصلنامه اسرا*، ش ۹.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۲)، *روش‌شناسی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران*، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳)، «مطالعات فقه امنیتی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۹، ش ۲.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «حکومت جهانی، علوم انسانی متعالیه می‌خواهد»، *فصلنامه فرهنگ پویا*، ش ۱۶، بهار.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدرپور، احمد (۱۳۹۰)، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، *تهدیدات و امنیت (تعاریف و مفاهیم)*، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۶۶)، *آموزش فلسفه*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، *آشنایی با علوم اسلامی - اصول فقه*، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *شرح منظومه*، تهران: انتشارات حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، *انسان و ایمان*، ج ۸، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، *مجموعه آثار*، ج ۶، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *مجموع آثار*، ج ۱۳، تهران: انتشارات صدرا.
- ملاصدرا (۱۳۸۲)، *الشواهد الربوبیه فی المنهاج السلوکیه*، به اشرف محمد خامنه‌ای، تصحیح، تحقیق و مقدمه مصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ملاصدرا (۱۳۵۴)، *المبد و المعاد*، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذوالفقاری و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

منابع لاتین

- Enloe, Cynthia (1993), *The Morning After: Sexual Politics and the End of the Cold War*, Berkeley: University of California Press.
- Smith, Steve (1999), "The Increasing Insecurity Studies: Conceptualizing Security in the last Twenty", *Contemporary Security Policy*, No.3, Dec.

